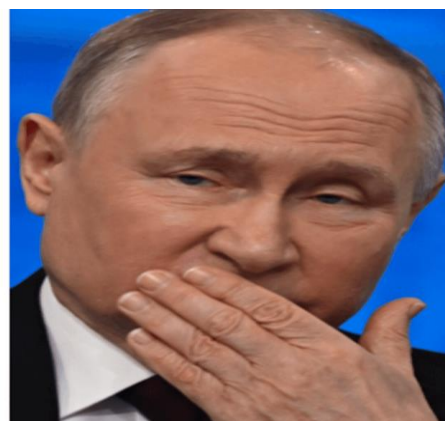


**نویسنده:** آین پرود «dan Proud».

**منبع و تاریخ نشر:** ریسپونسیبل ستیت گرفت «2026-04-28».

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

---



## ایران و روسیه در بازی با ایالات متحده در حال برنده شدن هستند

***Iran and Russia are gaming the United States, and winning***

آیا ترامپ برای پایان دادن به جنگ قبل از اینکه اقتصاد آمریکا  
جبران شود وقت کم ندارد.

***Is Trump running out of time to end the war before the American economy catches up?***

روسیه و ایران هر دو نشان می‌دهند که جنگ با کشورهای نفت خیز باعث افزایش قیمت  
نفت می‌شود. دولت ترامپ با استفاده از جنگ واقعی در کنار جنگ اقتصادی، مزایای  
اقتصادی ایران را به ضرر آمریکا افزایش داده است.

با عدم حضور استیو ویتکوف و جارد کوشنر در اسلام‌آباد برای مذاکرات صلح، عباس  
عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، روز دوشنبه به دیپلماسی رفت و برگشت خود به عمان

و مسکو ادامه داد. شکی نیست که ایران و روسیه دو کشوری هستند که از بسیاری جهات با مقاومت خود در برابر تحریم‌ها و ممنوعیت‌ها، جامعه جهانی را شوکه کرده‌اند. آنها حرف‌های زیادی برای گفتن دارند، زیرا ایالات متحده بیش از هر زمان دیگری متعهد به تعطیلی «ناوگان‌های سایه» آنهاست.

هر دو منبع قدرت خود را منابع طبیعی قابل توجهی می‌دانند که می‌توانند از طریق آنها جریان نقدی برای حفظ خود در طول بن بست با غرب ایجاد کنند. روسیه و ایران طی سال‌های متمادی به دلیل فروش منابع طبیعی خود و واردات کالاهای کمتر در عوض، مازاد حساب جاری ثابتی داشته‌اند. همانطور که بارها اشاره کرده‌ام، روسیه در سال اول جنگ اوکراین شاهد درآمدهای صادراتی فوق‌العاده‌ای بود و مازاد حساب جاری بی‌سابقه‌ای داشت. به همین ترتیب، ایران اکنون از جنگ فعلی «پول درمی‌آورد». در واقع، فشار انرژی ناشی از جنگ آنقدر شدید بوده است که اسکات بسنت، وزیر خزانه داری ایالات متحده، مجبور شد در اوایل کار، مجوز عمومی تحریم‌ها را برای فروش نفت ایران که از قبل در کشتی‌ها بارگیری شده بود، صادر کند تا به کاهش نگرانی‌های عرضه جهانی کمک کند. این قبل از آن بود که ایران سیستم عوارضی را که می‌خواهد برای دریافت هزینه از تانکرها برای ترانزیت هرمز راه‌اندازی کند، اعلام کرد.

با وجود همه اینها، روسیه و ایران هر دو از قبل به یک مزیت مالی قابل توجه دست یافته‌اند. ایران رویکرد خود را «اقتصاد مقاومتی» توصیف می‌کند که در مواجهه با چالش‌های سخت، مانند تورم افسارگسیخته، به شدت به درآمد نفت متکی بوده و ذخایر طلا و ارز را برای مدیریت شوک‌های کوتاه‌مدت افزایش داده است. واضح است که اقدام اخیر ایالات متحده برای مقابله با محاصره تنگه هرمز، از جمله توقیف کشتی‌های ایرانی، تلاشی برای مسدود کردن دریاچه درآمد است. این اقدام تأثیر خواهد داشت، اما مشخص نیست که ایران چقدر ذخایر دارد و تا چه مدت می‌تواند در طول کاهش چشمگیر درآمد دوام بیاورد. به همین ترتیب، مدل «اقتصاد قلعه‌ای» روسیه ۱۲ سال تحریم را تحمل کرده و به مازاد فروش نفت متکی بوده است که برای تأمین نیازهای مالی بدون نیاز قابل توجه به افزایش بدهی استفاده می‌شود، که هنوز کمتر از ۲۰٪ از تولید ناخالص داخلی است. و همانطور که اخیراً اشاره کردم، محدود کردن حمل و نقل نفت، در بهترین حالت، نتایج متفاوتی را به همراه دارد.

ایران اکنون ۴۷ سال است که تحت تحریم‌های اقتصادی قرار دارد، اما با این حال توانسته است در سال‌های پس از کووید رشد اقتصادی را ثبت کند. این به معنای آن نیست که این کشور در وضعیت خوبی قرار دارد. بدون شک، سردردهای اقتصادی آن بسیار حادث‌تر از سردردهایی است که روسیه با آن مواجه است. ایرانیان فقیرتر می‌شوند و سیستم مالی در قلمرو زامبی‌ها قرار دارد، در نسخه‌ای شدیدتر از اختلال عملکردی که اکنون سیستم مالی اوکراین را مشخص می‌کند.

اما همانطور که قبلاً ذکر شد، ذخایری وجود دارد و مهمتر از آن، به جای جنگی که منجر به کودتای مورد انتظار و تغییر رژیم شود، بسیاری از ایرانیان به دلیل افزایش احساسات ملی‌گرایانه، دور پرچم جمع شده‌اند.

همانند روسیه، رسانه‌های جریان اصلی غرب پیوسته از احتمال فروپاشی اقتصاد ایران همزمان با تشدید تحریم‌ها و انزوای جهانی به عنوان راهی برای مشروعیت بخشیدن به ادامه جنگ گزارش می‌دهند. اما اگر قرار نبود ایران در سال‌های قبل از جنگ، زمانی که صادرات و درآمدهای نفتی‌اش رو به کاهش بود، از نظر اقتصادی تسلیم شود، اکنون که بازار نفت به نفعش رونق گرفته است، چنین نخواهد شد.

به ناچار، محاسبات در تهران، همانطور که در مسکو بوده است، این خواهد بود که آنها پس از دهه‌ها سختی، آستانه درد بالاتری دارند و می‌توانند درد بیشتری به مخالفان غربی خود وارد کنند.

در هر جنگ اقتصادی، مهاجم باید برای تضمین پیروزی نهایی، آماده پذیرش درد اقتصادی باشد. با توجه به تجربه شخصی، یکی از دلایلی که تحریم‌های اروپایی‌ها علیه روسیه هرگز به آن شدتی که می‌توانستند، نبودند، اکراه کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای پذیرش درد اقتصادی داخلی ناشی از رویکردی سختگیرانه‌تر بود.

آمریکایی‌ها اکنون از زمان شروع جنگ شاهد افزایش قیمت‌ها بوده‌اند، به طوری که قیمت بنزین در عرض یک ماه 30 درصد افزایش یافته و سایر مایحتاج خانگی گران‌تر شده‌اند. برخی در مورد تأثیر جنگ ایران بر جمهوری خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر تردید دارند. نه ایران و نه روسیه با نقطه بحرانی دموکراتیک یکسانی روبرو نیستند.

علاوه بر این، ایران با فشار پرداخت بدهی مشابه آمریکا روبرو نیست، زیرا بدهی خارجی ملی رسمی آن تنها 27 درصد از تولید ناخالص داخلی است و مدت‌هاست که از سیستم مالی غرب جدا شده است. در عوض، می‌تواند به چاپ پول، قرض گرفتن از بانک‌های داخلی و تحمل پیامدهای تورمی در زمان جنگ ادامه دهد. اقتصاد ایران از قرار گرفتن در معرض اقتصاد جهانی آسیب دیده است، به این معنی که هرگونه تحریم جدید تأثیر محدودی خواهد داشت. هیچ‌کدام از این‌ها جادوگری نیست. هر کشوری که تحت تأثیر تحریم‌ها قرار می‌گیرد، به دنبال هر راه ممکن برای دور زدن آن‌ها است، از جمله قاچاق، حمل و نقل، استفاده از واسطه‌ها و ارزهای جایگزین. روش‌های جدید فرار از تحریم‌ها همیشه در ایران ظاهر می‌شوند، به ویژه دریافت پرداخت‌ها به صورت ارزهای دیجیتال. در اینجا ما خطر مقایسه‌ها را می‌بینیم. آشکارا، آمریکا اسماً بزرگترین اقتصاد جهان را دارد؛ پنتاگون به تنهایی سالانه حداقل سه برابر کل تولید اقتصادی سالانه ایران هزینه می‌کند. بنابراین، کوبیدن ایران با موشک‌ها و تحریم‌های

ایالات متحده، و البته ترور رهبران آن، حداقل در تئوری باید کشور را به زانو در آورد و انقلاب را تسریع کند. و با این حال هنوز این اتفاق نیفتاده است.

مانند جنگ واقعی، در میدان نبرد اقتصادی، اگر رئیس جمهور دونالد ترامپ می‌خواست ایران را شکست دهد، باید بسیار سخت‌تر و بسیار سریع‌تر از آنچه انجام داد، وارد عمل می‌شد. اینکه او این کار را نکرد، نشان می‌دهد که قمار او از قبل شکست خورده است.

## سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

### ایان پراود

ایان پراود از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۲۳ عضو سرویس دیپلماتیک اعلیحضرت بریتانیا بود. او از ژوئیه ۲۰۱۴ تا فوریه ۲۰۱۹ به عنوان مشاور اقتصادی در سفارت بریتانیا در مسکو خدمت کرد. او اخیراً خاطرات خود را با عنوان «یک ناجور در مسکو: چگونه دیپلماسی بریتانیا در روسیه شکست خورد، ۲۰۱۴-۲۰۱۹» منتشر کرده است و عضو غیرمقیم موسسه کوئینسی است.

----- با تقدیم سلامها «2026-04-28»

.....